

بررسی دنیای مطلوب (در زمینه ازدواج) دختران مجرد ۳۵ سال و بالاتر شهر اصفهان

الهه السادات بنی‌هاشمی^۱

لطیفه السادات مدنیان^۲

لیلا پرنده^۳

چکیده

با ظهور دومین گذار جمعیتی که از آن به عنوان گذار در خانواده و تشکیل خانواده نیز یاد می‌شود، الگوهای سستی سابق دچار تغییرات اساسی شده و الگوهای جدیدی از ازدواج نمود یافته‌اند که عبارتند از: افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، افزایش تعداد مجردها، کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته، افزایش آزادی در انتخاب همسر و... هدف پژوهش حاضر بررسی دنیای مطلوب (در زمینه ازدواج) دختران ۳۵ سال و بالاتر در شهر اصفهان بود. این مطالعه، یک تحقیق کیفی بود که جامعه مورد پژوهش را دختران مجرد ۳۵ سال و بالاتر در شهر اصفهان تشکیل می‌دادند. جهت گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و اصل اشباع، ۱۱ دختر ۳۵ سال و بالاتر انتخاب و با آنان مصاحبه نیمه ساختارمند به عمل آمد. مصاحبه‌ها ضبط، دست‌نویس و با روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه تحلیل داده‌ها: سه مضمون اصلی و دوازده مفهوم: باورهای حاکم بر فرد (شامل مفاهیم: باورهای مربوط به رابطه زوجی، باورهای فمینیستی، عشق و تعلق ورزی، اعتقادات و دیدگاه به ازدواج) فرد مطلوب (شامل مفاهیم: ویژگی‌های اخلاقی - شخصیتی، ویژگی‌های ظاهری - جسمانی، هم‌کفو بودن خانواده‌ها، الگوهای مطلوب، اهمیت تحصیلات) و امکانات و منقولات (شامل مفاهیم: امنیت شغلی و تفریح مشترک) می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد بیشترین فراوانی مربوط به مضمون باورهای حاکم بر فرد و کمترین فراوانی مربوط به مضمون امکانات و منقولات می‌باشد و همچنین در بین مفاهیم استخراج شده بیشترین فراوانی مربوط به باورهای مربوط به رابطه زوجی و کمترین فراوانی مربوط به اهمیت تحصیلات می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: دنیای مطلوب، ازدواج، دختران ۳۵ سال و بالاتر.

۱- کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد خمینی شهر، اصفهان، ایران.

۲- استادیار گروه مشاوره موسسه غیرانتفاعی هشت بهشت، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

Hashtbehstuni. Ir54@ yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ایران.

مقدمه

اگر چه که ازدواج وسیله ای برای رشد و کمال، تأمین سلامت و بقای نسل می باشد، با این وجود در دهه اخیر تغییرات مهمی در الگوهای ازدواج از جمله افزایش سن ازدواج، کاهش ثبات آن و ترجیح های نو در همسرگزینی رخ داده است؛ در این میان به خصوص افزایش سن ازدواج به دلیل تبعات منفی گسترده آن موجبات نگرانی مسئولان و محققان را فراهم کرده است (جبرائیلی و طاهری، ۱۳۹۳).

بالارفتن سن ازدواج و تشکیل خانواده، آثار سوء فراوانی برای فرد و جامعه خواهد داشت. به تعویق افتادن سن ازدواج برای افراد می تواند باعث سرکوب شدن نیازهای جنسی، اقتصادی، عاطفی و فرهنگی شود. از دیگر پیامدها می توان به ایجاد موانع و سدهای مهار کننده در راستای رشد و تعالی روحی- روانی، ظهور اختلالات و بیماری های روانی و اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی، به هدر رفتن انرژی عظیم افراد، افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف سلیق و دیدگاه های دو نسل درون خانواده اشاره کرد (آستین افشان، ۱۳۸۵).

مهمترین اثر آن از نظر جمعیت شناختی، ایجاد دگرگونی در الگوهای تولید مثل است (رضا دوست و ممبئی، ۱۳۹۰). یکی از اثرات منفی دیگر آن، افزایش میزان وقوع ناهنجاری های مادرزادی و عقب ماندگی در نوزادان است که می تواند منحنی سلامت و هوش را در جامعه دچار اختلال نماید (کجباف، ۱۳۸۷). پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز مجرد قطعی باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر به طور طبیعی شاهد وجود نابسامانی هایی در سطح جامعه هستیم. نابسامانی هایی چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و ... (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰).

سدروپوشان و ناطقی (۱۳۹۷) در مطالعه کیفی در زمینه ی عوامل موثر بر افزایش سن ازدواج جوانان شهر اصفهان، به این نتیجه رسیدند که مهمترین دلیل بالا رفتن سن ازدواج در دختران، آرمانگرایی و یا سندرم سیندرلا است و در پسران مشکلات اقتصادی، گرانی و

تورم می‌باشد. یافته‌های تحقیق فعله‌گری، پروین و یحیی زاده (۱۳۹۶) با عنوان تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از تاخیر در ازدواج و راهکارهای مواجهه با آن در شهر کرج نشان داد که دختران مجرد از یک سو در معرض تبلیغات و ارزش‌های جنبش‌های اجتماعی همچون فمینیست‌ها قرار دارند در نتیجه، ازدواج جایگاه قبلی‌اش را نزد آنان از دست داده و همانند سابق به منزله تنها سبک زندگی پذیرفته شده مورد قبول نیست. از طرف دیگر سنت، ارزش‌هایی مغایر و مبنی بر ازدواج و تشکیل خانواده را به آن‌ها دیکته می‌کند. همچنین نتایج پژوهش وانگ و داگلاس (۲۰۱۳) با عنوان معنای مجرد برای زنان چینی تحصیل کرده بالای سی سال نشان داد که ارزش‌های اجتماعی خانواده‌های سنتی چینی به این زنان برای ازدواج و داشتن فرزند فشار می‌آورند و در پژوهش ماندل، آن، دبور و باردلی (۲۰۱۵) نتایج نشان داد به‌رغم اینکه از هر ۱۰ زن، ۹ نفر آن‌ها به ازدواج تمایل دارند، اما نوع ازدواج مورد نظر آن‌ها با آنچه در واقعیت وجود دارد متفاوت است. یافتن شغل و حفظ آن مهم‌ترین عنصری است که روی تصمیم‌گیری آن‌ها در ازدواج اثرگذار است. به عبارت دیگر حفظ استقلال و پیشرفت و ارتقای حرفه‌ای هدفی است که تعیین‌کننده ازدواج یا مجرد برای زنان است.

از طرفی نیازهای ما در حقیقت انتخاب ما را شکل می‌دهد. در انتخاب، چرایی و چگونگی صدور رفتار از انسان مطرح می‌شود. هر آنچه از یک انسان سر می‌زند رفتار است و رفتارها معطوف به هدف می‌باشند و هدف از هر رفتار، ارضای یکی از نیازهای انسان است. نیاز یک مسئله عمومی و جهانی است و به مجموعه شیوه‌هایی که ما برای ارضاء نیازهایمان به کار می‌بریم، دنیای مطلوب ۱ می‌گویند (گلاسر ۲، ۲۰۱۳ ترجمه صاحبی ۱۳۹۰).

با توجه به اینکه انسان‌ها راه‌های متفاوتی را برای ارضاء نیاز خود انتخاب می‌کنند لذا سعی دارند دنیا را بر اساس این ملاک‌ها بسنجند. هر فردی در دنیای خودش ملاک‌هایی

دارد و تلاش خود را بر این مبنا می‌گذارد که انتخاب‌هایش بر اساس این ملاک‌ها باشند. اگر زندگی‌اش برحسب ملاک‌های موردنظر پیش برود احساس شادکامی و رضایت دارد و چنانچه برخلاف ملاک‌ها پیش برود سعی دارد دنیا را تغییر دهد و رفتاری انجام می‌دهد تا بتواند به ملاک‌های موردنظرش دست پیدا کند. در حقیقت تصمیم‌های ما برای رسیدن به این خواسته‌هاست.

بر اساس تئوری انتخاب دلیل ادراکات متفاوت ما از واقعیت، به دنیای مهم دیگری مربوط است که خاص هرکدام از ماست و آن را دنیای مطلوب می‌نامیم. این دنیای کوچک و شخصی که هرکسی به فاصله کمی از تولدش شروع به خلق آن در حافظه‌اش می‌کند و تمام طول عمر بازآفرینی آن را ادامه می‌دهد، از گروه کوچکی از تصاویر خاص تشکیل شده است که بیش از هر چیز دیگری می‌شناسیم (گلاسر، ۲۰۱۳ ترجمه صاحبی ۱۳۹۰).

این تصاویر بهترین راه ارضای نیازهای انسانی را به ما نشان می‌دهند و سه مقوله مشخص را در برمی‌گیرند: ۱) افرادی که دوست داریم با آن‌ها باشیم؛ ۲) چیزهایی که بسیار دوست داریم داشته باشیم و تجربه کنیم؛ ۳) ایده‌ها یا نظام باورهایی که بر بخش بزرگی از رفتار ما حاکمند. وقتی احساس بسیار خوب پیدا می‌کنیم که به گونه‌ای دست به انتخاب بزنیم تا شخص، چیز یا باوری که در دنیای واقعی با آن سر و کار داریم با تصویر آن شخص، چیز یا باوری که در دنیای مطلوب داریم، مطابقت کنند و تقریباً و تا جای ممکن باهم جور باشند. در تمام طول زندگی بیش از هر چیز دیگری با دنیا مطلوب خود در تماسیم. بسیاری از ما درباره نیازهای اساسی خود نمی‌دانیم، آنچه می‌دانیم چگونگی احساس ماست، اینکه چه احساسی داریم و اینکه همیشه می‌خواهیم احساس بهتری داشته باشیم؛ بنابراین دلیل اصلی انتخاب ما در قرار دادن این تصاویر خاص در دنیای مطلوب خود این است که وقتی با این اشخاص بوده یا این چیزها را داشته‌ایم و از آن‌ها استفاده نموده یا آن‌ها را تجربه کرده‌ایم یا وقتی به این فکر و باور عمل کرده‌ایم در مقایسه با افراد، چیزها و باورهای دیگر که متفاوت از این تصاویر بوده‌اند، احساس بهتری داشته‌ایم (گلاسر، ۲۰۱۳ ترجمه صاحبی ۱۳۹۰).

اما حتی احساس خوب نیز امری پیچیده است، زیرا همواره دو نوع متفاوت از تصاویر لذت‌بخش وجود دارد. یک لذت که آن را خشنودی یا شادمانی می‌نامیم و به این معناست که اگر ناشاد یا ناخشنود باشید، تلاش می‌کنید تا یکی از تصاویری که در بردارنده نزدیکی و صمیمیت شما با کسی دیگر است را ارضا نمایید. افراد خشنود حداقل عده‌ای از افرادی را که دوستشان دارند، اعضای خانواده یا دست‌کم یک دوست، در دنیای مطلوب خود دارند؛ اما بسیاری از افراد، شخصی را که بتوانند به او اعتماد کنند و از بودن با او لذت ببرند پیدا نکرده‌اند. این افراد ممکن است در گذشته طردشده یا مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشند و بدین جهت از احساس خشنودی و رضایتمندی از روابط انسانی مأیوس شده باشند. این‌گونه افراد در بسیاری از موارد متوجه می‌شوند راه‌های دیگری برای لذت بردن بدون داشتن رابطه با دیگران وجود دارد. آن‌ها برای احساس خشنودی و شادی، تصاویر لذت بدون حضور افراد، مثل تصویر خشونت، مواد مخدر و رابطه جنسی بدون عشق را جایگزین تصاویر لذت با حضور در دنیای مطلوب خود می‌کنند. با انجام این کار بیش‌ازپیش از افراد و خشنودی فاصله می‌گیرند و مشکلشان وخیم‌تر می‌شود. هر چه تنهاتر می‌شوند، کمتر می‌توانند بپذیرند که خودشان مردم را طرد کرده‌اند و بیشتر خودشان را متقاعد می‌کنند که دیگران آن‌ها را طرد کرده‌اند (گلاسر، ۲۰۱۳ ترجمه صاحبی ۱۳۹۰).

این مسئله در مورد دختران مجردی که سن ازدواج آن‌ها در حال افزایش است صدق می‌کند، آن‌ها ممکن است در دنیای مطلوب خود شخصی را که بتوانند به او اعتماد کنند و از بودن با او لذت ببرند پیدا نکرده‌اند و یا ممکن است هنوز فردی را پیدا نکرده‌اند که در دنیای مطلوب، نیازها و خواسته‌ها با آن‌ها اشتراک داشته باشد. از آنجا که بر اساس بررسی‌های محقق، پژوهشی با عنوان بررسی دنیای مطلوب دختران مجرد ۳۵ سال به بالا و تأثیر این دنیای مطلوب بر سن ازدواج این دختران انجام نگرفته است و در این زمینه خلأ وجود دارد، پژوهش حاضر در صدد بررسی محتوی دنیای مطلوب دختران مجرد ۳۵ سال به بالا و تأثیر این دنیای مطلوب بر سن ازدواج این دختران می‌باشد.

در این مطالعه روش تحقیق مورد استفاده از نوع کیفی با تفکر زیر بنایی پدیدارشناسی است. در این راستا به منظور جمع‌آوری اطلاعات عمیق و جامع در مورد محتوای دنیای مطلوب این دختران، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه با یک پرسش اصلی آغاز و در ادامه با پرسش‌هایی که اهداف فرعی پژوهش را در برمی‌گیرد ادامه یافت. در این تحقیق برای بدست آوردن اطمینان از میزان مقبولیت داده‌ها از روش سه‌سوسازی استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر را دختران ۳۵ سال و بالاتر در شهر اصفهان تشکیل دادند. در این پژوهش روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند بود. حجم نمونه این پژوهش ۱۱ نفر از دختران ۳۵ سال و بالاتر شهر اصفهان و معیار محقق برای حجم نمونه، رسیدن به اشباع نظری بوده است. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که با ادامه دادن مصاحبه مفاهیم و مقوله‌های جدید بدست نیامد. در انتخاب نمونه سعی محقق بر آن بوده است که متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، تحصیلات و وضعیت اقتصادی تا حد امکان متکثر باشد.

ابزار پژوهش:

در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها به صورت گفتگو و مصاحبه نیمه ساختاریافته به صورت حضوری و یا تلفنی انجام پذیرفت و مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت و در بعضی موارد تا یک ساعت و نیم به طول انجامیده است. مصاحبه با یک سؤال کلی و جامع، دارای ساختار آغاز و به دنبال آن در حین مصاحبه استفاده از سؤالات بیشتر به منظور کاوش عمیق‌تر و در راستای اهداف فرعی تحقیق ادامه یافت. این سؤالات پس از انجام دو مصاحبه با نظر استاد راهنما و محقق اضافه شد و با روش سه‌سوسازی محقق، استاد راهنما و اساتید متخصص در این زمینه اعتبار سنجی شد.

اعتمادپذیری/قابلیت انتقال

در سرتاسر تحقیق جاری (طراحی سؤالات، انجام مصاحبه، پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری و تفسیر) برای به دست آوردن اعتمادپذیری و قابلیت انتقال (روایی و پایایی) سه‌سوسازی در تیم اعتباربخشی (محقق، استاد راهنما و سایر اساتید) و جمع‌آوری داده‌ها انجام پذیرفت. بر همین اساس، سؤالات مصاحبه با راهنمایی استاد راهنما و بر اساس نظریه انتخاب و با هدف تبیین محتوای دنیای مطلوب دختران ۳۵ سال و بالاتر در شهر اصفهان تدوین گردید و توسط اساتید خبره موردبررسی قرار گرفت و با اضافه کردن چند سؤال مورد تأیید واقع شد. سه‌سوسازی دوم در جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفت بدین گونه که:

۱. برای حصول اطمینان از توانایی محقق در انجام مصاحبه، دو مصاحبه آزمایشی انجام و پیاده‌سازی شد

۲. مصاحبه‌ها توسط استاد راهنما مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازمه گوشزد گردید
۳. با رضایت افراد مصاحبه شونده مصاحبه‌ها ضبط شد. سپس مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و بازخوانی شد و تمام جملات با تمرکز بر موضوع پژوهش نشانه‌گذاری شد. سپس جملات نشانه‌گذاری شده شماره‌گذاری شد و جملاتی که مفاهیم شبیه به هم داشتند کدگذاری شد. درنهایت خروجی داده‌ها برای اطمینان از میزان مقبولیت (عینیت پذیری) به استاد راهنما و اساتید متخصص و افراد متخصص خارج از پژوهش و چند نفر از مصاحبه شونده‌گان ارائه گردید

در تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه‌های اولیه از روش تحلیل مضمون (تماتیک) استفاده شد. روش تحلیل مضمون (تماتیک) متعارف‌ترین و کاربردی‌ترین روش تحلیل داده‌های کیفی است و درواقع، بر مبنای تحلیل استقرایی استوار است یعنی یافته‌ها هم محصول اهدافی است که محقق تعیین کرده است و هم محصول تجزیه و تحلیل شنیده‌هاست. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش ابتدا به پیاده‌سازی محتوای ضبط شده مصاحبه‌ها پرداخته شد و جهت درک

احساس و تجارب شرکت‌کنندگان چندین بار مرور شد. سپس در مرحله بعدی گویه‌های مرتبط با اهداف پژوهش از متن مصاحبه‌های پیاده‌سازی شده استخراج گردید.

یافته‌ها

با توجه به هدف اصلی تحقیق مبنی بر بررسی محتوای دنیای مطلوب (در زمینه ازدواج) دختران مجرد بالای ۳۵ سال در اصفهان و با توجه به داده‌های موجود در مصاحبه‌ها، تمامی ۱۱ مصاحبه‌را که در مدت زمان ۱۱ ساعت ضبط شدند و پس از پیاده‌سازی ۲۷۵ صفحه A4 به صورت تایپ شده به رشته تحریر درآمد که جمعاً تعداد ۹۴۳ گویه با توجه به مفاهیم اصلی دنیای مطلوب به دست آمد که گویه‌ها در ۴۸ زیر مفهوم و ۱۲ مفهوم و در نهایت ۳ مضمون کلی دنیای مطلوب (فرد مطلوب، باورهای حاکم بر فرد، امکانات و منقولات) طبقه‌بندی و کدگذاری شدند. بدین صورت که در مرحله اول محقق برای درک بیشتر شرکت‌کنندگان، کلیه اظهارات و توضیحات ارائه شده توسط آنان را برای چندین بار با دقت و تأمل مطالعه کرد تا مطالب و عبارات مهم استخراج شوند. سپس در مرحله دوم محقق به استخراج جملات و گویه‌های مهم از متن مصاحبه‌ها پرداخت و بر اساس اطلاعات موردنیاز در جهت هدف پژوهش به جمع‌آوری مطالب مهم یا حذف مفاهیم اضافی پرداخته شد و در نهایت تعداد ۹۴۳ گویه به دست آمد و در مرحله سوم پس از مطالعه دقیق گویه‌های به دست آمده، تعداد ۴۸ زیر مفهوم به ثبت رسید سپس مفاهیم مشترک در کنار یکدیگر در گروه‌های مشابه قرار گرفتند و تعداد ۱۲ مفهوم را تشکیل دادند. در نهایت با قرار دادن مفهوم‌های مشابه در گروه‌های مشابه، مفاهیم در ۳ مضمون کلی (فرد مطلوب، باورهای حاکم بر فرد، امکانات و منقولات) که بر اساس نظریه انتخاب دنیای مطلوب دختران را موردسنجش قرار می‌دادند، قرار گرفتند و سرانجام در مرحله چهارم در این مرحله مفاهیم بدست آمده در جدول جداگانه‌ای همراه با فراوانی مربوط به زیر مفاهیم بدست آمده و فراوانی مفاهیم نمایش داده شده است که بیشترین فراوانی زیر مفهوم‌ها

مربوط به زیر مفهوم آزادی و بیشترین فراوانی مفاهیم مربوط به مفهوم باورهای مربوط به رابطه زوجی و بیشترین فراوانی در مضمون کلی تر مربوط به باورهای حاکم بر فکر فرد می‌باشد؛ که کمترین فراوانی زیر مفهوم‌ها مربوط به زیر مفهوم‌های رازداری، احترام به خود، صبور بودن کمترین فراوانی مفاهیم مربوط به مفهوم اهمیت تحصیلات و کمترین فراوانی در مضمون کلی تر مربوط به امکانات و منقولات می‌باشد یافته‌ها در جدول ۱ نمایش داده شده است.

مضامین											
امکانات و مقولات				فرد مطلوب				باورهای حاکم بر فرد			
تکرار زیر مفهوم	زیر مفهوم	تکرار مفهوم	مفهوم	تکرار زیر مفهوم	زیر مفهوم	تکرار مفهوم	مفهوم	تکرار زیر مفهوم	زیر مفهوم	تکرار مفهوم	مفهوم
۳۰	دارایی‌ها	۵۹	امنیت		صداقت	۱۶۸	ویژگیهای اخلاقی	۶۵	آزادی	۲۳۷	باورهای مربوط به رابطه زوجی
۱۸	پرستیز شغلی		شغلی		مهربانی		شخصیتی	۴۵	قدرت		
۱۱	ثبات شغلی				فردیت			۳۶	درک متقابل		
۴۸		۴۸	تفریح مشترک		پر انرژی بودن			۳۲	اعتماد		
					کنترل هیجانی			۳۱	احترام متقابل		
					اجتماعی						
					مناات						
					مسئولیت پذیری						
					وجدان						
					آداب معاشرت					۱۹	عهدشکن نباش
					منطقی بودن در تصمیم‌گیری						
					دست‌دلبازی						
					احترام به خود صبور بودن						
				۵۰	قد و قیافه	۸۸	ویژگیهای	۵	رازداری		

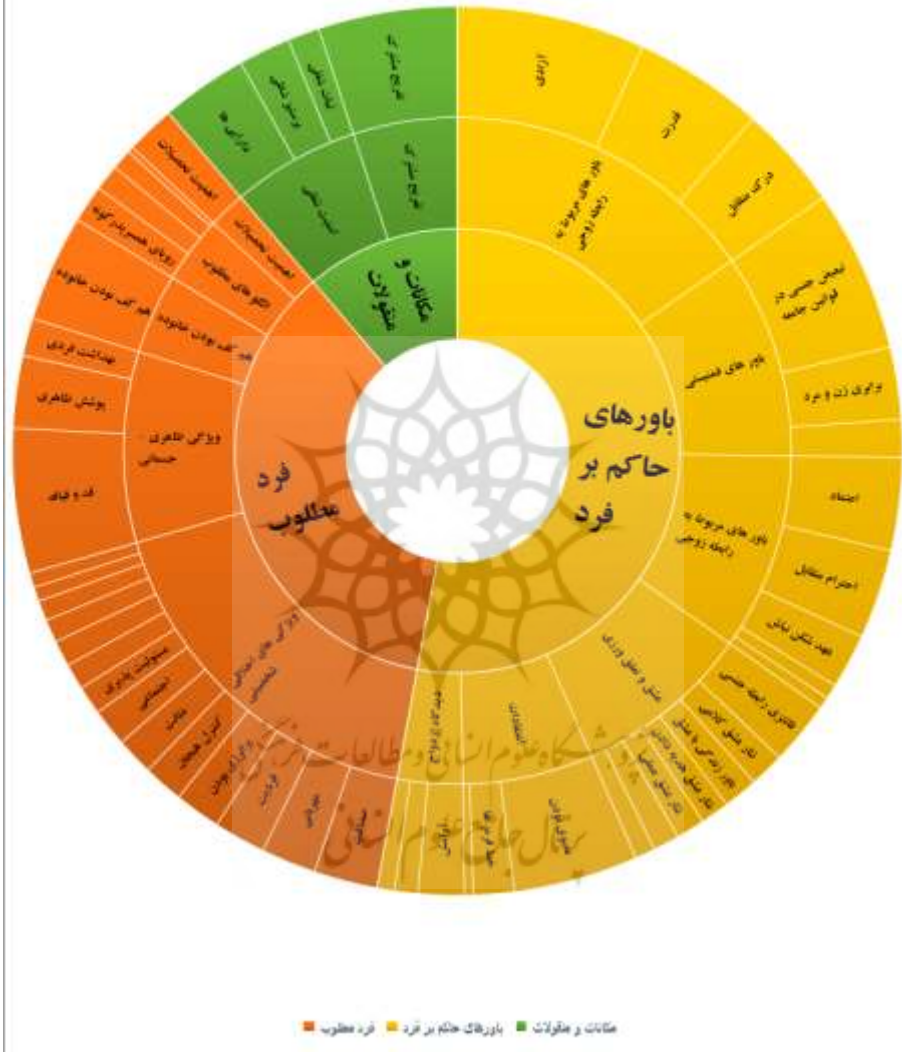
				۲۵	پوشش ظاهری		ظاهری				
				۱۳	بهداشت فردی		جسمانی				
				۳۷		۳۷	هم‌کفو بودن خانواده	۴	گذشت متقابل		
					روای همسر پدرگونه	۳۳	الگوهای مطلوب	۴۶	تبعیض جنسیتی در قوانین جامعه	۸۴	باورهای فمینیستی
					روای همسر برادرگونه						
					روای زندگی دیگران						
					روای هنرپیشه						
								۲۵	برابری زن و مرد		
								۱۳	اعتراض به شیوه خواستگاری		
								۲۲	فانتری رابطه جنسی	۸۲	عشق و تعلق ورزی
								۱۲	باور زندگی با عشق		
								۱۲	نثار عشق کلامی		
								۱۰	نثار عشق عملی		
								۱۰	نثار عشق هدیه دادن		
								۹	نثار عشق اختصاص		

									وقت		
								۷	نثار عشق لمسی		
								۴۳	معنوی بودن	۶۰	اعتقادات
								۱۴	خط قرمزها		
								۳	مذهبی بودن		



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دنیای مطلوب دختران ۳۵ سال و بالاتر در شهر اصفهان



بحث

بر اساس تئوری انتخاب دلیل ادراکات متفاوت ما از واقعیت، به دنیای مهم دیگری مربوط است که خاص هر کدام از ماست و این دنیای کوچک و شخصی را دنیای مطلوب می‌نامیم. این تصاویر بهترین راه ارضای نیازهای انسانی را به ما نشان می‌دهند و سه مقوله مشخص را در برمی‌گیرند: (۱) افرادی که دوست داریم با آنها باشیم؛ (۲) چیزهایی که بسیار دوست داریم داشته باشیم و تجربه کنیم؛ (۳) ایده‌ها یا نظام باورهایی که بر بخش بزرگی از رفتار ما حاکمند. وقتی احساس بسیار خوب پیدا می‌کنیم که به گونه‌ای دست به انتخاب بزنیم تا شخص، چیز یا باوری که در دنیای واقعی با آن سروکار داریم با تصویر آن شخص، چیز یا باوری که در دنیای مطلوب داریم، مطابقت کنند و تقریباً و تا جای ممکن باهم جور باشند (گلاسر، ۲۰۱۳ ترجمه صاحبی ۱۳۹۰).

بر اساس نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر که مبتنی بر مصاحبه‌های انجام شده است، بیشترین میزان فراوانی گویه استخراج شده را، مضمون کلی باورهای حاکم بر فکر فرد تشکیل دادند. این یافته نشان‌دهنده نقش بیشتر باورهای حاکم بر فکر فرد، در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های اوست. از جمله مفاهیم استخراج شده از داده‌های به دست آمده می‌توان به باورهای مربوط به رابطه‌ی زوجی (مشکل از زیر مفاهیم: آزادی، قدرت، درک متقابل، اعتماد، احترام متقابل، عهدشکن نباش، رازداری و گذشت متقابل)، باورهای فمینیستی (مشکل از زیر مفاهیم: تبعیض جنسیتی در قوانین جامعه، برابری زن و مرد و اعتراض به شیوه‌ی خواستگاری)، عشق و تعلق ورزی (مشکل از: فانتزی رابطه جنسی، باور زندگی با عشق، نثار عشق کلامی، نثار عشق عملی، نثار عشق هدیه دادن، نثار عشق اختصاص وقت و نثار عشق لمسی)، اعتقادات (مشکل از معنوی بودن، خط قرمزها و مذهبی بودن) و دیدگاه به ازدواج (مشکل از: آرامش، دوستی یا همراهی و رشد و تکامل)

با توجه به این که باورهای حاکم بر فکر فرد بخشی از دنیای مطلوب فرد را تشکیل می‌دهند و دنیای مطلوب هر فرد یک دنیای کوچک و شخصی است که از گروه کوچکی

از تصاویر خاص تشکیل شده است که بیش از هر چیز دیگری می‌شناسیم و هر کسی به فاصله کمی از زمان تولدش شروع به خلق آن در حافظه‌اش می‌کند و در تمام طول عمر در پی این است که دنیای واقعی خود را با دنیا مطلوب درونش مطابق کند. با توجه به داده‌های به دست آمده در این پژوهش، نظام باورهای شکل گرفته در دنیای مطلوب دختران مجرد بالای ۳۵ سال را می‌توان تا حد زیادی آرمان‌گرایانه و غیرواقعی نسبت به دنیای واقعی تحلیل کرد که این محتوای آرمان‌گرایانه و غیرواقعی می‌تواند پیامدهایی را برای خود فرد و جامعه در پی داشته باشد از جمله این پیامدها می‌توان به بالا رفتن سن ازدواج اشاره کرد که ناشی از این می‌باشد که کمتر فردی می‌تواند با محتوای آرمان‌گرایانه و غیرواقعی دنیای مطلوب این دختران مطابقت پیدا کند.

از آنجایی که از بین این مفاهیم پرتکرارترین مفهوم مربوط به باورهای مربوط به رابطه‌ی زوجی بود و پرتکرارترین زیر مفاهیم مربوط به آزادی و قدرت بود و این نشان‌دهنده حساسیت بیشتر این دختران نسبت به روابط زوجی‌شان است. این دختران بر این باور هستند که ازدواج نباید آزادی‌هایشان را محدود کند و در پی یافتن زوجی هستند که هنگامی که در کنار او قرار می‌گیرند، همچنان آزادی‌های قبلی خود را حفظ کنند و یا این که محدودیت کمی در این رابطه‌ی زوجی به آن‌ها تحمیل شود. همچنین این دختران بر این باور هستند که در زندگی زوجی قدرت باید به میزان مساوی در بین زن مرد تقسیم شود و تعداد کمی از آن‌ها موافق با این موضوع بودند که مرد در رأس قدرت خانواده باشد.

باورهای غیرواقعی و اغراق‌گونه‌ی این دختران نسبت به شرایط حاکم در رابطه‌ی زوجی منوط به این که باید در یک رابطه‌ی زوجی موفق تمام زیر مفاهیم درک متقابل، اعتماد، احترام متقابل، رازداری، گذشت متقابل و عهدشکن نبودن در کنار هم حضور داشته باشند که فرد موردنظر بتواند در چهارچوب دنیای مطلوب این دختران قرا بگیرد که تا حد زیادی آرمان‌گرایانه و غیرواقعی نسبت به دنیای واقعی است.

بعد از باورهای مربوط به رابطه‌ی زوجی، بالاترین تکرار را باورهای فمینیستی داشتند. این باورهای حاکم بر نظام فکری این دختران که ناشی از تبلیغات و ارزش‌های جنبش‌های اجتماعی همچون فمینیست‌ها می‌باشد، ازدواج، جایگاه قبلی‌اش را نزد آنان از دست داده است و همانند سابق به‌منزله تنها سبک زندگی پذیرفته‌شده موردقبولشان نمی‌باشد. در نتیجه‌ی پذیرش این ارزش‌های مدرن دختران خواهان حقوق برابری مانند داشتن حق طلاق، حضانت فرزند، دستمزد برابر، حق پاسپورت برای زنان بعد از ازدواج، حق خواستگاری کردن و حق ارث مشابه با مردان شدند. این خواسته‌ها تحت زیر مفاهیم اعتراض به شیوه خواستگاری، برابری زن و مرد و تبعیض جنسیتی در قوانین جامعه بیان شد است.

نیاز به احساس تعلق و پیوند عاطفی داشتن با دیگر افراد، نیازی است که در همه انسان‌ها وجود دارد. گلاسر در مفهوم سلامت روانی فرد به اهمیت روابط متقابل بین افراد تأکید دارد. به اعتقاد گلاسر، نیاز به تعامل با دیگران و داشتن رابطه صمیمانه یکی از نیازهایی است که باعث صدور رفتار در ما می‌شود. به اعتقاد گلاسر نداشتن رابطه و پیوند عاطفی یا وجود روابط ناخشنود یا رابطه‌ای که در آن رضایتی وجود ندارد، ریشه اصلی تمام مشکلات پایدار روان شناختی در افراد است. در پژوهش حاضر بعد از بررسی مطالب بیان شده از سوی دختران مورد مصاحبه، مطالب مرتبط با مفهوم عشق و تعلق ورزی جمع‌آوری شدند و در زیر مفهوم‌های فانتزی رابطه جنسی، باور زندگی با عشق، نثار عشق کلامی، نثار عشق عملی، نثار عشق هدیه دادن، نثار عشق اختصاص وقت و نثار عشق لمسی قرار گرفتند. تعدد این زیر مفاهیم نشان‌دهنده ریزینی این دختران نسبت به مسائل مربوط به عشق و تعلق ورزی است که نشانه‌ی خواسته‌های آرمان‌گرایانه و غیر واقعی نسبت به دنیای واقعی است؛ زیرا در دنیای واقعی کمتر این اتفاق رخ می‌دهد که در رابطه‌ای بدون یادگیری مهارت‌های ارتباطی از ابتدا تمام زیر مفاهیم بالا حضور داشته باشند و فرد ممکن است بتواند در طول زندگی مشترک با کسب تجربه و مهارت تاحدی زیر مفاهیم ذکر شده

در بالا را در خود و رابطه‌ی زوجی اش ایجاد کند و این امر نشانه‌ی دست نیافتنی بودن تصاویر دنیای مطلوب این دختران در زمینه عشق و تعلق ورزی می‌باشد.

کمترین مفهوم تکرار شده در داده‌های جمع‌آوری شده، مفهوم اعتقادات با ۳ زیر مفهوم معنوی بودن، خط قرمزها و مذهبی بودن و کمترین زیر مفهوم تکرار شده در کل محتوای دنیای مطلوب دختران مربوط به زیر مفهوم مذهبی بودن مذهبی بودن به این معنا که فرد مقید به رعایت ظواهر دین مثل نماز خواندن، روزه گرفتن و غیر باشد. بر اساس یافته‌ها می‌توان به این تحلیل رسید که برای این دختران معنوی بودن فرد مطلوبشان به این معناست که فرد به خداوند معتقد باشد و اخلاقیات دین را رعایت کند مثلاً از دروغ، غیبت، تهمت پرهیز نماید و اهل رعایت حلال و حرام، کمک به دیگران، انسانیت و انصاف باشد.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر دومین مضمون کلی که میزان تکرار بیشتری را به خود اختصاص داده است، مضمون کلی فرد مطلوب می‌باشد. این مضمون بیان‌کننده ویژگی‌های خاص فرد مطلوب مورد نظر دختران مجرد بالای ۳۵ سال می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی اهمیت حضور این ویژگی‌ها در فردی است که می‌تواند با تصاویر دنیای مطلوب دختران مطابقت کند. از جمله مفاهیم استخراج شده از داده‌های به دست آمده میتوان به ویژگی‌های اخلاقی-شخصیتی، ویژگی‌های ظاهری جسمانی، الگوهای مطلوب، هم‌کفو بودن خانواده‌ها و اهمیت تحصیلات اشاره کرد.

احساس خوب نیز امری پیچیده است، زیرا همواره دو نوع متفاوت از تصاویر لذت بخش وجود دارد. یک لذت که آن را خشنودی یا شادمانی می‌نامیم و به این معناست که اگر ناشاد یا ناخشنود باشیم، تلاش می‌کنیم تا یکی از تصاویری که در بردارنده نزدیکی و صمیمیت شما با کسی دیگر است را ارضا نماییم. افراد خشنود حداقل عده‌ای از افرادی را که دوستشان دارند، اعضای خانواده یا دست کم یک دوست، در دنیای مطلوب خود دارند (گلاسر، ۲۰۱۳ ترجمه صاحبی ۱۳۹۰). بر اساس داده‌های به دست آمده در پژوهش حاضر یکی از مفاهیمی که می

تواند رضایت و خشنودی بیشتری را برای این دختران به ارمغان آورد، مطابقت ویژگی های فرد مورد نظر با تصویر فرد مطلوب دختران مجرد بالای ۳۵ سال است.

پرتکرارترین ویژگی مورد طلب قرار گرفته از سوی این دختران در فرد مطلوب ویژگی های اخلاقی-شخصیتی است که نشان دهنده اهمیت خصایص اخلاق و شخصیتی در مقایسه با ویژگی های ظاهری برای این دختران است. بر اساس داده های جمع آوری شده مفهوم ویژگی های اخلاقی و شخصیتی شامل زیر مفاهیم صداقت، مهربانی، فردیت، پرنرژدی بودن، کنترل هیجان، اجتماعی بودن، متانت، مسئولیت پذیری، وجدان، آداب معاشرت، منطقی بودن در تصمیم گیری، دست و دلبازی، احترام به خود و صبور بودن بود و زیر مفهوم های مربوط به ویژگی های ظاهری شامل، قد و قیافه، پوشش ظاهری و بهداشت فردی است. در بین زیر مفاهیم مربوط به فرد مطلوب، پرتکرارترین زیر مفهوم، زیر مفهوم قد و قیافه می باشد که نشان دهنده اهمیت معیار ظاهر و تناسب قد در دنیای مطلوب دختران مجرد بالای ۳۵ سال است که تاکید زیادی بر دل نشین بودن طرف مقابل مخصوصا در نگاه اول داشتند. به نظر می رسد که این تصویر ایجاد شده در دنیای مطلوب این دختران تا حد زیادی با دنیای واقعی فاصله دارد و میتوان گفت این خواسته غیر منطقی می باشد زیرا ممکن است فردی در نگاه اول دلنشین به نظر نرسد اما با تعاملات بیشتر، آن را فردی دلنشین ببینیم و این ناشی از تضاد بین تصاویر آلبوم عکس این دختران از مرد رویاهایشان با واقعیت می باشد.

یکی از عواملی که منجر به شکل گیری آلبوم تصاویر در دنیای مطلوب افراد می شود، الگوهای مطلوب افراد می باشد. بر اساس داده های جمع آوری شده از دنیای مطلوب دختران مجرد ۳۵ سال به بالا، بیشترین الگوهای مطلوب شکل گرفته در دنیای مطلوب این دختران را پدران و برادرانشان تشکیل می دهند به طوری که معمولا این دختران در پی پیدا کردن فردی هستند که شبیه به پدر یا برادرانشان باشد. همچنین تعدادی از این دختران الگوی ذهنی، رویای زندگی دیگران و یا رویای هنرپیشه را دارند. به نظر می رسد که یافتن

فردی که در تمام جهات مشابه یا مطابق با الگوی مطلوب ذهنی ما باشد تا حد زیادی غیر واقعی و ناممکن است.

از دیگر مفاهیم مورد تاکید برای دختران مجرد بالای ۳۵ سال، هم کفو بودن خانواده‌ها و اهمیت تحصیلات می باشد که به نظر می رسد این زیر مفاهیم نسبت به سایر زیر مفاهیم به نسبت از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و بعد از زیر مفهوم قد و قیافه در اولویت‌های دوم و ششم قرار می گیرند؛ اما در کل اهمیت تحصیلات در بین کل مفاهیم دنیای مطلوب از کمترین تکرار برخوردار می باشد که شاید ناشی از نگاه تعدیل شده این دختران نسبت به بالا بودن تحصیلات فرد مطلوبشان است و همچنین نشان از اهمیت دیگر موارد نسبت به تحصیلات فرد مقابلشان می باشد.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر سومین مضمون کلی که میزان تکرار کمتری را به خود اختصاص داده است، مضمون کلی امکانات و منقولات می باشد. این مضمون بیان کننده چیزهایی است که این افراد دوست دارند داشته باشند و یا تجربه کنند که نشان دهنده اهمیت دارا بودن این امکانات توسط فردی است که مطلوب آن‌هاست. از جمله مفاهیم استخراج شده از داده‌های به دست آمده میتوان به امنیت شغلی و تفریح مشترک اشاره کرد. مفهوم امنیت شغلی که شامل ۳ زیر مفهوم، دارایی‌ها، پرستیز شغلی و ثبات شغلی می باشد، یکی از مفاهیمی است که از درجه اهمیت نسبتاً بالایی برای دختران مجرد بالای ۳۵ سال برخوردار است.

اکثر پژوهش‌های انجام گرفته که مرتبط یا هم راستا با پژوهش فعلی هستند، هم در داخل کشور و هم در خارج از کشور، با نتایج پژوهش حاضر به صورت مستقیم و غیر مستقیم همسویی دارند. سدرپوشان و ناطقی (۱۳۹۷)، به این نتیجه رسیدند که تعداد زیادی از دختران نسبت به واقعیت جامعه و موقعیت پسران از نظر شغل و درآمد و تحصیلات و موقعیت خانوادگی جنس مخالف دچار نوعی آرمانگرایی یا به قول خودشان سندرم سیندرلا شده‌اند. همچنین در پژوهش فعله گری، پروین و یحیی زاده (۱۳۹۶) نتایج حاکی

از این است که دختران مجرد از یک سو در معرض ارزش های فمینیستی قرار دارند از طرف دیگر سنت ها، ارزش هایی مغایر و مبنی بر ازدواج و تشکیل خانواده را به آن ها دیکته می کند، به عبارتی می توان گفت دختران در عرصه ی کشمکش و جدال سنت و مدرنیته قرار گرفته اند و با پذیرش ارزش های مدرن، سن ازدواج شان افزایش یافته است. غفاریان، اکبری و میرزایی (۱۳۹۴) نشان دادند که بی علاقه‌گی و عدم احساس نیاز به ازدواج ناشی از بالابودن سطح انتظارات و تجربیات تلخ خود و اطرافیان در ازدواج می باشد که زمینه ساز عدم تمایل به ازدواج در سن مناسب آن شده و از طرف دیگر حمایت برای ادامه‌ی تحصیل و اشتغال، شرایط برای مجرد ماندن را تشدید کرده است.

نتیجه گیری

در سالهای اخیر با ورود زنان به جامعه در عرصه های مختلف تعاملات اجتماعی و فرهنگی و البته دخالت رسانه ها و نوع کشش های جنسی نوعی تغییر نگرش پیرامون ازدواج صورت پذیرفته است، دختران امروز دیگر حاضر به ازدواج با پسری با شرایط معمولی نیستند. دنیای مطلوب دختران ۳۵ سال و بالاتر در زمینه ازدواج طبق پژوهش حاضر بسیار گسترده می باشد اما آیا آرمانگرایی در ازدواج و انتخاب همسر مطلوب است؟ آیا در انتخاب همسر باید سخت گیر بود؟ دقت در ازدواج و انتخاب همسر امری مطلوب است اما باید مراقب بود که دقت به وسواس و ارمانگرایی تبدیل نشود. کمال گرایی و رویا پردازی در ازدواج مطلوب نیست به نظر می رسد خواسته های دختران ۳۵ یال و بالاتر از ازدواج و از فرد مطلوبشان تا حدی غیر منطقی و غیرواقع گرایانه است؛ اما واقعا چه چیز واقع گرایانه است و چه چیز واقع گرایانه نیست. این نکته شاید بتواند موضوع را روشن تر کند.

دکتر هوبارت ماورا ۱ استاد پژوهشگر روانشناسی دانشگاه ایلینویز در پیشگفتار کتاب واقعیت درمانی گلاسر می گوید: رفتار و کنش را فقط زمانی می توان واقع گرا یا غیر واقع

گرا نامید که پیامد های دور و نزدیک آن در نظر گرفته و نتایج آن بررسی شود. اگر درد و رنج بعدی عملی بیش از لذت آنی آن باشد، آن عمل را می توان غیر واقع گرا نامید و حال آن که اگر لذت بعدی عملی بیش از تلاش آنی و یا رنج ناشی از آن باشد، می توان آن را کاری واقع گرایانه نام نهاد.

بنابراین به نظر می رسد اگر دختران بالای ۳۵ سال که مورد پژوهش هستند، همچنین همه افراد جامعه فاصله و شکاف بین دنیای مطلوبشان و واقعیت را با تصمیم گیری های منطقی تر و واقعی تر جایگزین کنند، پیامد های بهتری دریافت خواهند کرد و در مورد دختران مجرد بالای ۳۵ سال پیامد ازدواجی متناسب و تعدیل شده با واقعیت خواهد بود.

از محدودیت های پژوهش حاضر می توان به این مواردی اشاره کرد که نمونه انتخاب شده از جمعیت دختران در شهر اصفهان بوده و نه شهرهای دیگر. همچنین نوع پژوهش انجام شده از نوع کیفی بوده و به همین خاطر امکان تعمیم نتایج به جامعه آماری دیگر بایستی با احتیاط انجام گیرد.

انجام مطالعات در جهت بررسی دنیای مطلوب دختران و پسران در در سنین ۲۵ تا ۳۵ به منظور برنامه ریزی کلان در جهت آسان سازی ازدواج جوانان و همچنین بررسی عمیق تر باور های حاکم بر بحث ازدواج در افراد و جامعه با تکرار پژوهش های کیفی و در صورت امکان بهره گیری از تحقیقات کمی و کیفی در زمینه دنیای مطلوب و تغییر و اصلاح باورها در زمینه ازدواج که به دلیل ماهیت اجرای میدانی این نوع پژوهشها اطلاعات بهتری حاصل خواهد شد و بهتر میتوان از نتایج تحقیقات در سطح کلان استفاده کرد و همچنین پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش نظریه انتخاب برای تغییر خواسته های غیر منطقی و غیر واقعی دختران 35 سال و بالا تر پیشنهاد می گردد.

منابع

- ۱) آستین افشان، پروانه (۱۳۹۰). «بررسی تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی جمعیتی موثر بر آن طی سال های ۵۵-۸۵»، **برنامه ریزی رفاه اجتماعی**، ۱(۱)، ۳۲-۱۳.
- ۲) جبرائیلی، هاشم، طاهری، مهدی (۱۳۹۳). «نقش ارزش های فرهنگی در ترجیح های سن ازدواج و تفاوت سنی زوجین»، **روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی**، ۱۰(۴۰)، ۴۲۹-۴۲۱.
- ۳) رضا دوست، کریم، ممینی، احمد (۱۳۹۰). «بررسی رابطه تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل»، **دو فصلنامه مشاوره کاربردی**، سال اول، ۱۲۲-۱۰۵.
- ۴) کججاف، محمد باقر (۱۳۸۷). «تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران»، **خانواده پژوهی**، شماره ۴، ۱۳۲-۱۲۳.
- ۵) حبیب پور، کرم، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، **زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**، ۹(۱)، ۲۴-۷.
- ۶) سدروپوشان، نجمه و ناطقی، سعید (۱۳۹۷). بررسی کیفی عوامل موثر بر افزایش سن ازدواج جوانان شهر اصفهان، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد خمینی شهر.
- ۷) فعله گری، زینب، پروین، ستار. یحیی زاده، حسین (۱۳۹۶). تجربه ی زیسته ی دختران از تأخیر در ازدواج و راهکارهای مواجهه با آن (مورد مطالعه: شهر کرج، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی).
- ۹) گلاسر، ویلیام (۲۰۱۳). **تنوری انتخاب**، ترجمه علی صاحبی (۱۳۹۰)، تهران: سایه سخن.
- ۱۰) غفاریان مهوت، الهه. اکبری، حسین. میرزایی، حسین (۱۳۹۴). فرآیند بالا رفتن سن ازدواج در دختران در آستانه تجرد قطعی، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- 11) Wang, Haiping, & Abbott, A. Douglas, (2013), "Waiting for Mr. Right: The Meaning of Being a Single Educated Chinese Female Over 30 in Beijing and Guangzhou", «Women's Studies International Forum», Volume 40, September–October 2013, pp 222-229.
- 12) Mandel, Ann Deborah, & Bradley Lori, (2015), "The Lived Experience of Single Middle-Aged Women Who Have Experienced Complications in a Planned Pregnancy: A Phenomenological Study", BiblioBazaar Press.